



دانشگاه پیام نور

بخش علمی: الهیات و علوم اسلامی

پایان نامه

برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد

رشته: حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان پایان نامه:

جلوه های فرایند مشارکتی شدن در نظام کیفری ایران

فاطمه علائی

استاد راهنما: دکتر ایرج گلدوزیان

استاد مشاور: دکتر نریمان فاخری

شهریور ۱۳۹۴





دانشگاه پیام نور

مرکز: کرج

بخش علمی: الهیات و علوم اسلامی

پایان نامه

برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد

رشته: حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان پایان نامه:

جلوه های فرایند مشارکتی شدن در نظام کیفری ایران

فاطمه علائی

استاد راهنما: دکتر ایرج گلدوزیان

استاد مشاور: دکتر نریمان فاخری

شهریور ۱۳۹۴



بسمه تعالی



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

« تصویب نامه پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد »

دانشگاه پیام نور استان البرز

مرکز کرج

رئیس

جلسه دفاع از پایان نامه خانم فاطمه علانی

دانشجوی رشته حقوق جزا و جرم شناسی به شماره دانشجویی ۸۸۰۲۷۳۶۲۲

تحت عنوان: " جلوه های فرآیند مشارکتی شدن در نظام کیفری ایران "

ساعت: ۱۶ - ۱۴

روز: شنبه

تاریخ دفاع: ۹۴/۰۶/۲۸

نمره (به عدد: ۱۸.۷۵ به حروف: هجده و سه پنجاه و پنج) درجه ارزشیابی: بسیار خوب

اعضای هیات داوران:

ردیف	نام و نام خانوادگی	هیات داوران	مرتبۀ دانشگاهی	دانشگاه / موسسه آموزشی	امضاء
۱	دکتر ایرج گلدوزیان	استاد راهنما	استاد	تهران	
۲	دکتر نریمان فخری	استاد مشاور	استادیار	پیام نور	
۳	دکتر رامین پورسعید	استاد داور	استادیار	پیام نور	
۴	دکتر رامین پورسعید	نماینده تحصیلات تکمیلی	استادیار	پیام نور	

شماره:

تاریخ:

پیوست:

کرج - ریحی شهر - بنوار مودن
خیابان دانشگاه
کدپستی: ۳۱۴۹۹۶۸۱۴۳
تلفن: ۰۲۶-۳۴۲۰۹۵۰۱-۵۰
نمبر: ۰۲۶-۳۴۲۰۹۵۲۵

اینجانب فاطمه علائی دانشجوی ورودی سال ۱۳۸۸ مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق و جزا و جرم شناسی گواهی می نمایم چنانچه در پایان نامه خود از فکر، ایده و نوشته دیگری بهره گرفته ام با نقل قول مستقیم یا غیر مستقیم منبع و ماخذ آن را نیز در جای مناسب ذکر کرده ام. بدیهی است مسئولیت تمامی مطالبی که نقل قول دیگران نباشد بر عهده خویش می دانم و جوابگوی آن خواهم بود.

دانشجو تأیید می نماید که مطالب مندرج در این پایان نامه (رساله) نتیجه تحقیقات خودش می باشد و در صورت استفاده از نتایج دیگران

فاطمه علائی

تاریخ و امضاء:

اینجانب فاطمه علائی دانشجوی ورودی سال ۱۳۸۸ مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق و جزا و جرم شناسی گواهی می نمایم چنانچه براساس مطالب پایان نامه خود اقدام به انتشار مقاله، کتاب و نمایم ضمن مطلع نمودن استاد راهنما، با نظر ایشان نسبت به نشر مقاله، کتاب و به صورت مشترک و با ذکر نام استاد راهنما مبادرت نمایم.

فاطمه علائی

تاریخ و امضاء :

کلیه حقوق مادی مرتبط از نتایج مطالعات، آزمایشات و نوآوری ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه پیام نور می باشد

شهریور ۱۳۹۴

تقدیم به

تمام کسانی که دوستشان دارم

چکیده:

مشارکتی شدن عدالت کیفری، راهبردی است که به دنبال محدود ساختن قلمرو مداخله حقوق کیفری کلاسیک و افزایش مداخله مردم در فرایند جنایی است. در مسیر نهادینه سازی این راهبرد لازم است که نهادهایی چون هیئت منصفه، قضازدایی و پیشگیری مردمی برقرار گردد. این راهبرد آشکارا مستلزم حضور واقعی و ملموس مردم در مسائل جنایی یا قضایی است و لذا مادامی که دولت نیروی منحصر در مدیریت جرایم و انحرافات باشد، نمی توان از حضور واقعی مردم و تبعاً راهبرد مشارکتی شدن در معنای علمی و دقیق آن سراغ گرفت. بنابراین، در پایان نامه حاضر به دنبال این خواهیم بود که در ابتدا گفتمان، عناصر و ملزومات راهبرد مشارکتی شدن نظام عدالت کیفری را روشن نماییم و سپس در ادامه جلوه های برجسته و عینی آنرا در عرصه نظام حقوق کیفری ایران شناسایی و معرفی نماییم. در این مسیر به سوالاتی از این دست پاسخ خواهیم داد که جایگاه و حدود اعتبار گزاره های توجیه کننده ضرورت مداخله مردم در سطوحی چون دادرسی کیفری، تعیین کیفر، اجرای کیفر و ... به چه نحوی است؟، کاستی های منطق مقنن ایرانی در استقبال از راهبرد مشارکتی شدن کدامند؟ و ...

واژگان کلیدی: حقوق کیفری، سیاست جنایی، مشارکتی شدن، نهادهای غیر دولتی، مردم، دولت.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول : کلیات تحقیق	۱
۱-۱ مقدمه	۲
۱-۱-۱ بیان مسأله، سوالات و فرضیه تحقیق:	۲
۱-۲ سابقه و ضرورت انجام تحقیق	۳
۱-۳ اهداف تحقیق:	۵
۱-۴ کاربردها و کاربران تحقیق:	۵
۱-۵ روش انجام تحقیق:	۵
۱-۶ بخش اول) مبانی، مفاهیم و فرایند تکوین و توسعه راهبرد عدالت کیفری مشارکتی	۶
۱-۷ فصل اول: گفتمان و چشم انداز راهبرد مشارکتی شدن در پهنای حقوق کیفری	۶
۱-۷-۱ مبحث اول) مفهوم مشارکتی شدن در نظام حقوق کیفری و سیاست جنایی حاکم بر آن	۷
۱-۸-۱ مبحث دوم) مبانی و توجیهات جهت گیری حقوق کیفری و سیاست جنایی در مسیر مشارکتی شدن	۱۱
فصل دوم: بسترها و زمینه های تاریخی اندیشه مشارکتی شدن نظام حقوق کیفری	۱۵
۱-۲-۱ مقدمه	۱۶
۱-۲-۲ مبحث اول) بسترهای مشارکتی شدن در قلمرو تاریخ نظام کیفری در ملل مختلف	۱۶
۱-۲-۳ مبحث دوم) بسترهای مشارکتی شدن در قلمرو تاریخ نظام کیفری ایران	۱۸
فصل سوم: تحکیم راهبرد مشارکتی شدن در افق بازشناسی فرایند ظهور الگوهای مشارکتی نوین و جامعه مدار	۲۱
۱-۳-۱ مقدمه:	۲۲

۲-۳-۲-مبحث اول)	از فترت تاریخی تا تغییر و تعویض نوع نگاه نسبت به پدیده جنایی، کنشگران، کیفیت دادرسی و ابزارهای تدافعی آن	۲۲
۳-۳-۳-مبحث دوم)	تکوین گزاره مردم مدار شدن حقوق کیفری و سیاست جنایی؛ اوج گیری گفتمان ضرورت مشارکتی شدن بر مدار منطق مدرن	۲۴
۳-۳-۴-مبحث سوم)	گستره و قلمرو نظام فکری و هدفمندی امروزین راهبرد مشارکتی شدن	۲۵
۳-۳-۵-بخش دوم)	جایگاه و جلوه های راهبرد مشارکتی شدن در حقوق کیفری و سیاست جنایی ایران	۲۷
۳-۳-۶-فصل اول)	بسترها و جلوه های عمومی مشارکتی شدن نظام های حقوق کیفری	۲۷
۳-۳-۷-مبحث اول)	بسترها و نمادهای مشارکتی شدن در قلمرو حقوق کیفری ماهوی	۲۸
۳-۳-۸-گفتار اول)	مشارکتی شدن جرم انگاری	۲۸
۳-۳-۹-گفتار دوم)	فرایند تعیین مجازات مشارکتی	۳۰
۳-۳-۱۰-گفتار سوم)	مداخله و مشارکت مردمی در جرایم خصوصی	۳۲
۳-۳-۱۱-مبحث دوم)	بسترها و نمادهای مشارکتی شدن در قلمرو حقوق کیفری شکلی	۳۵
۳-۳-۱۱-۱-گفتار اول)	قضازدایی و تغییر مسیر فرایند دادرسی کیفری	۳۵
۳-۳-۱۱-۳-گفتار سوم)	حضور هیئت منصفه در دادرسی	۳۹
۳-۳-۱۱-۴-گفتار چهارم)	حضور اولیاء و سرپرستان قانونی در محاکم اختصاصی اطفال	۴۰
۳-۳-۱۱-۵-گفتار پنجم)	میانجیگری قضایی	۴۲
۳-۳-۱۱-۶-گفتار ششم)	الگوی دادرسی کنفرانسی	۴۳
۳-۳-۱۱-۷-گفتار هفتم)	الگوی محافل دادرسی ترکیبی (حلقه ها و محافل قضایی)	۴۴
۳-۳-۱۱-۸-گفتار هشتم)	پیشگیری از جرم مشارکتی	۴۵
فصل چهارم:	جلوه ها و موقعیت راهبرد مشارکتی شدن در حقوق کیفری ایران قبل و بعد از انقلاب	۴۸
۴-۱-مقدمه		۴۹
۴-۲-مبحث اول)	جلوه ها و مصادیق عینی مشارکتی شدن در قبل از انقلاب	۴۹

- ۴-۲-۱- گفتار اول) دادرسی مشارکتی در دادگاه اطفال ۴۹
- ۴-۲-۲- گفتار دوم) آیین دادرسی مردمی و محله ای در خانه های انصاف ۵۰
- ۴-۲-۳- گفتار سوم) آیین دادرسی مردمی و محله ای در شوراهای داوری ۵۲
- ۴-۲-۴- گفتار چهارم) حضور و ایفای نقش هیئت منصفه در دادرسی کیفری ۵۳
- ۴-۲-۵- گفتار پنجم) برقراری نظام قضاودایی ۵۵
- ۴-۳-۱- مبحث دوم) جلوه ها و مصادیق عینی مشارکتی شدن در پس از انقلاب اسلامی ۵۶
- ۴-۳-۱- گفتار اول) مشارکتی شدن نظام اجرای مجازاتهای حدود، قصاص و دیات ۵۷
- ۴-۳-۲- گفتار دوم) مشارکتی شدن احکام و دادرسی قضایی در جرایم قابل گذشت ۵۸
- ۴-۳-۳- گفتار سوم) تجلی نهاد قضاودایی در بستر نظام قانونی موجود ۵۹
- ۴-۳-۴- گفتار چهارم) اعتبار یافتن حضور هیئت منصفه ۶۲
- ۴-۳-۵- گفتار پنجم) فعالیت مدنی انجمن حمایت از زندانیان در اجرای کیفر حبس ۶۵
- ۴-۳-۶- گفتار ششم) حضور اولیاء و سرپرستان اطفال در آیین دادرسی به بزهکاری آنها ۶۶
- ۴-۳-۷- گفتار هفتم) فعالیت قضایی شوراهای حل اختلاف ۶۸
- ۴-۳-۸- گفتار هشتم) انعکاس نمادهایی حداقلی از فرایند مشارکتی شدن در پیشگیری از جرم ۶۹
- ۴-۳-۹- گفتار نهم) جایگاه راهبرد عدالت مشارکتی در لایحه آیین دادرسی کیفری ۷۰
- فصل پنجم: جمع بندی ، نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات ۷۲
- ۵-۱- نتیجه گیری ۷۳
- منابع و مأخذ ۷۵
- منابع فارسی ۷۶

فصل اول :

کلیات تحقیق

۱-۱-۱- بیان مسأله، سوالات و فرضیه تحقیق:

امروزه در اکثر اسناد بین المللی و به تبع آنها در بسیاری از نظام های حقوقی داخلی رویکردهای متمایل به سیاست جنایی مشارکتی با استقبال روز افزونی مواجه شده است. این رویکردها عموماً عموماً دایر مدار مسائلی از قبیل کاهش قدرت نظام کنترل رسمی و تقویت نقش جامعه مدنی در کلیه فرایندهای حقوقی مطرح می شود. در واقع، جان کلام استدلال این رویکردها بر محور توسل به نظام عدالت کیفری غیر رسمی که کاملاً جامعه مدار نیز می باشد خلاصه می شود.

پر واضح است که تجربه نظام عدالت کیفری رسمی و عدم توفیق آن در مبارزه با جرایم و انحرافات منادی این واقعیت است که ابتدای صرف بر تدابیر کیفر مدار و نظام کنترل رسمی در بلند مدت نخواهد توانست معضل پدیده جنایی را تدبیر نماید. مسبوق به چنین التفاتی امروزه واقعاً رویکردهای مشارکتی و جامعه مدار از چنان اعتبار و قابلیت برخوردار گشته اند که بی توجهی بدانها دیگر به آسانی مقدور نیست و بر این اساس است که مشاهده می کنیم این رویکردها در بسیاری از رژیم های حقوقی مختلف انعکاس عینی یافته اند. در این بین کشور ایران از جمله کشورهایی است که نسبتاً به دنبال مشارکتی سازی نظام عدالت کیفری بوده و تدابیر مختلفی را در این زمینه مورد اقتباس قرار داده است.

با این وجود، با لحاظ مراتب مذکور آنچه که مسأله بنیادین پایان نامه حاضر را تشکیل می دهد، تبیین ابعاد و جلوه های فرایند مشارکتی شدن در نظام کیفری ایران می باشد که در راستای تحلیل عمیق تر آن بر لویح تهیه شده توسط قوه قضائیه نیز نگاهی اجمالی انداخته خواهد شد. بر این اساس، در ارتباط با مسأله فوق اهم سوالات فرارو از قرار ذیل اند؛

- مفهوم مشارکتی شدن در نظام عدالت کیفری چیست؟

- لوازم و ابزارهای لازم در راستای ظهور عینی و حقیقی فرایند مشارکتی شدن در نظام عدالت کیفری چیست؟

- آیا در نظام کیفری ایران می توان جلوه ها و نمودی از رهیافت های فرایند مشارکتی شدن را سراغ گرفت؟

و اما آنچه که فرضیه اساسی پایان نامه حاضر را تشکیل می دهد این است که « بنظر می رسد در نظام حقوق کیفری ایران می توان از جلوه ها و بارقه های حداقلی از فرایند مشارکتی شدن سراغ گرفت. لیکن در راستای اجرای واقعی و عینی آنها هنوز بستر سازی لازم صورت نگرفته و مقدمات امر فراهم نیامده است».

۱-۲- سابقه و ضرورت انجام تحقیق

فرایند مشارکتی شدن امروزه به راهبردی در نظام عدالت کیفری تعبیر می شود که ضمن شناسایی نقاط ضعف و چالش های فراروی نظام کیفری کلاسیک، به دنبال این می باشد که این مسأله را برجسته نماید که اگر در کنار ابزارهای فعلی حقوق کیفری در ابعاد و سطوحی محسوس برای مداخله و مشارکت جامعه مدنی نقشی قائل شویم، بدون شک در مهار پدیده جنایی می توانیم شاهد نتایج ارزشمندی باشیم. بر این اساس امروزه واقعاً از مشارکتی شدن نظام حقوق کیفری در سرلوحه سیاست ها و اغراض رژیم های حقوقی قرار گرفته است.

در توضیح روشن تر ضرورت انجام پژوهش همین بس که سازمان ملل در سال های اخیر نهادها و ارگان هایی را زعیم و مجری انجام تحقیقاتی در حوزه شناسایی چالش ها، اصول و تدابیر سیاست جنایی مشارکتی و مردم مدار شدن حقوق کیفری نموده است. این نهاد ها با صرف بودجه های عظیم توانسته اند به خوبی ضرورت مشارکتی شدن را نمایان سازند. در تفکر مسئولان این نهادها حضور مردم در عرصه مبارزه با جرایم و انحرافات بهترین راهکار ارتقای کارایی نظام کیفری در مواجهه با این معضلات است که فرهنگ سازی ناشی از آن می تواند در بلند مدت نرخ بزهکاری را به شدت تقلیل دهد.

هم سو با این تحركات جنایی جهانی محققان در نقاط مختلف دنیا سعی کرده اند جایگاه و قلمرو راهبر مشارکتی شدن را مورد مطالعه قرار دهند. در حقوق خارجی سطح و دامنه کمی مطالعات در این عرصه بسیار محسوس و فراگیر است اما متأسفانه در قلمرو حقوق ایران چندان مطالعات مبسوطی در راستای بازشناخت و معرفی مشارکتی شدن نظام کیفری و جلوه های آن صورت نگرفته است. با این وجود برخی از مهمترین پژوهش های صورت گرفته در این حوزه در ایران از قرار ذیل اند؛

« رستمی » (۱۳۸۵)، در پژوهش خود تحت عنوان « سیاست جنایی مشارکتی »، در بخش نخست ضمن اشاراتی به مفهوم و مدل های سیاست جنایی اجمالاً با تحلیل خود اظهار داشته اند که مدل سیاست جنایی در کشور ایران از نوع مدل دولت اقتدارگرا می باشد. ایشان در ادامه و در بخش دوم، مفهوم، لوازم و راهبردهای یک سیاست جنایی مشارکتی را ترسیم نموده و بی آنکه مترصد سنجش آنها در عرصه نظام کیفری باشد صرفاً از دستاوردهای ارزشمند این مدل از سیاست جنایی صحبت نموده و نهایتاً نتیجه گرفته اند که بهترین تدبیر در حوزه مبارزه با جرایم، استفاده از توان مردمی و نظام پیشگیری مشارکتی است.

« جمشیدی » (۱۳۹۰)، در پژوهش خود تحت عنوان « مشارکتی و مردم مدار شدن نظام کیفری و سیاست جنایی »، ضمن معرفی مفهوم و بستر الگوی مشارکتی شدن رژیم حقوق کیفری، نتیجه می گیرند که مردم محوری در عرصه حقوق و سیاست جنایی می تواند تضمین کننده توفیق برنامه های پیشگیری از بزهکاری باشد. ایشان در ادامه می افزایند نظام حقوقی ایران به علت دولتی بودن فراگیر نتوانسته تاکنون در مسیر مشارکتی شدن گام های استواری بردارد.

« محمدی » (۱۳۸۷)، در پژوهشی تحت عنوان « نقش مردم محوری در حقوق ایران؛ مطالعه موردی شوراهای حل اختلاف »، ادعا نموده است که عینیت بخشیدن به نقش و حضور مردم در عرصه نظام کیفری اصلی ثابت در مسیر مبارزه با بزهکاری است که بدون هرگز نمی توان به ریشه کن شدن معضل های اجتماعی چون جرایم امیدوار بود. بنظر وی چالش اصلی حقوق ایران در استقبال از راهبرد مشارکتی شدن مسأله شفاف نبودن حدود اختیارات و مداخلات نهادهای مردمی است که به انفعال سیاست جنایی اتخاذی نیز دامن زده است.

علاوه بر پژوهش های فوق که مستقیماً بحث مشارکتی شدن و توجیحات آنرا در کانون توجه قرار داده اند، پژوهش های دیگری نیز صورت گرفته است که بطور پراکنده مطالبی را در ارتباط با راهبرد مشارکتی شدن مطرح کرده اند. غالب این پژوهش ها تک منظری بوده و از یک جهات خاص فرایند مشارکتی شدن را مورد مطالعه قرار داده اند. این در حالی است که کماکان ضرورت انجام یک پژوهش جامع که بتواند ضمن معرفی دقیق راهبرد مشارکتی شدن، جایگاه و جلوه های عینی آنرا در عرصه نظام

اجتماعی - حقوقی ایران روشن نماید، احساس می شود. لذا در پایان نامه حاضر سعی خواهد شد که تا حد امکان به این ضرورت جامه عمل پوشانیده شود.

۱-۳- اهداف تحقیق:

در انجام پایان نامه با موضوع حاضر دو گروه هدف فرارو می باشد، یکی هدف اصلی و دیگری اهداف فرعی. هدف اصلی فرارو عبارت است از: شناخت جایگاه و جلوه های عینی راهبرد مشارکتی شدن در عرصه نظام کیفری ایران. و اما اهداف فرعی فرارو نیز عبارتند از:

۱- شناخت مفهوم راهبرد مشارکتی شدن

۲- کشف تعامل تدابیر دولتی و مردمی در عرصه حقوق و سیاست جنایی

۳- آشنایی با سابقه تاریخی تدابیر مردمی در عرصه نظام کیفری

۴- روشن ساختن چالش های فراروی حقوق ایران در استقبال از راهبرد مشارکتی شدن.

۱-۴- کاربردها و کاربران تحقیق:

امید آن می رود که یافته های پژوهش حاضر بتواند هم به تطهیر فضای نظام حقوقی ایران از شبهات موجود نسبت به ضرورت و قابلیت راهبرد مشارکتی شدن نظام حقوقی منتهی شود و هم اینکه به مراجع قانونگزاری کمک نماید تا در مرحله تهیه لوایح و تصویب قوانین بتوانند با آشنایی با ضرورت ها و چالش های فراروی فرایند مشارکتی شدن نظام حقوق کیفری مبادرت به وضع گزاره های قانونی ارزشمندی نمایند که در عمل بتوانند راقم دستاوردهای ارزشمندی در مسیر مبارزه با بزهکاری باشند.

۱-۵- روش انجام تحقیق:

پایان نامه حاضر به روش تحلیلی - توصیفی انجام خواهد شد. یعنی در بخش هایی که صرفاً کلیات و مفاهیم بنیادین مرتبط با مسأله تحقیق موضوع بحث می باشد از روش توصیفی و در بخش هایی که

تجزیه و تحلیل عناصر، محتوا و جلوه های راهبرد مشارکتی شدن در قلمرو نظام کیفری ایران مدنظر می باشد از روش تحلیل استفاده خواهد شد.

۱-۶ بخش اول) مبانی، مفاهیم و فرایند تکوین و توسعه راهبرد عدالت کیفری مشارکتی

در این بخش تجزیه و تحلیل مفاهیم و نهادهایی مدنظر می باشد که در شناسایی، واکاوی و نهادینه سازی راهبرد مشارکتی شدن در نظام کیفری و سیاست جنایی حاکم بر آن از اهمیت مضاعفی برخوردارند. در واقع برای ورود موفق به بحث جلوه ها و انعکاس های راهبرد مشارکتی شدن، بایستی ابتدا به مطالعه مبانی نظری موضوع مشارکتی شدن پرداخت و بسترهای تاریخی و اندیشه های توجیه کننده و حامی آنرا در گذر تاریخ روشن ساخت. بر این اساس، بخش آغازین به مباحثی اختصاص یافته است که انتظار می رود تشریح و تحریر آنها بتواند به شناخت بهتر و بیشتر راهبرد مشارکتی شدن در گستره نظام حقوق کیفری کمک شایانی نمایند.

بنابراین، طی سه فصل به این مسأله و مباحث کلان خواهیم پرداخت. در فصل اول، گفتمان و چشم انداز راهبرد مشارکتی شدن در پهنای حقوق کیفری بیان می شود و در فصول دوم و سوم نیز به ترتیب به مسأله بسترها و زمینه های تاریخی اندیشه مشارکتی شدن عدالت کیفری و تحکیم راهبرد مشارکتی شدن در افق بازشناسی فرایند ظهور الگوهای مشارکتی نوین پرداخته می شود.

۱-۷ فصل اول: گفتمان و چشم انداز راهبرد مشارکتی شدن در پهنای حقوق کیفری

رویکرد مشارکتی شدن در عرصه حقوق کیفری و سیاست جنایی حاکم بر آن، دامنه عقب نشینی از دولت محوری صرف و نظام کنترل رسمی تک بعدی را در ارتباط با نگرش به پدیده جنایی روشن می سازد. بنابراین، آشنایی با گفتمان و جهان بینی آن می تواند عمق ضرورت اعطای حق مداخله به نهادهای غیر رسمی و غیر دولتی و مردم نهاد را در عرصه مسائل حقوق کیفری روشن سازد. لذا در این فصل در دو مبحث به تحلیل جزئی آن می پردازیم؛ مفهوم مشارکتی شدن نظام حقوق کیفری و سیاست جنایی حاکم بر آن (مبحث اول)، مبانی و توجیهاات جهت گیری حقوق کیفری و سیاست جنایی در مسیر مشارکتی شدن (مبحث دوم).

۱-۷- مبدا اول) مفهوم مشارکتی شدن در نظام حقوق کیفری و سیاست جنایی حاکم بر آن

مشارکتی شدن راهبردی است که بر تحقق یک نظام حقوقی و سیاست جنایی همراه با مداخله مردم و کنشگران نظام اجتماعی در تقابل با جرایم و انحرافات، پاسخ دهی بدانها و آیین دادرسی ناظر به آنها تأکید دارد. این راهبرد به دنبال این است که فرایندهای پیشگیری، مبارزه و رسیدگی به جرایم را به مدد نهادهای وابسته به جامعه مدنی در کنار پلیس، دادگستری و مراجع قانونگزاری سامان دهی نماید.^۱ بنابراین، این راهبرد حول اندیشه مدافع مردم در نظام حقوق کیفری و تحدید دامنه مداخله حقوق جزا به موازات توسعه مشارکت و مداخله سازمان های مردم نهاد، انعکاس عینی می یابد.

عدالت مشارکتی، نهادی است که ضمن مبارزه با قضاانگاری افراطی به برقراری راهبرد مشارکتی شدن کمک شایانی می نماید. مشارکتی بودن به دنبال استفاده از تمامی ظرفیت نهادهای شبه قضایی و مردم نهاد در حل و فصل مسائل حقوقی - جنایی می باشد و سبب بسط این جهت گیری شده است که مداخله نهادهای شبه قضایی و هیئت های حل اختلاف و تشکل های عمومی و مردمی در کنار دادگستری به عنوان مرجع اصلی رسیدگی به تظلمات، می تواند موجبات حل و فصل دقیق تر و سریع تر پدیده های حقوقی و جنایی را فراهم آورد.^۲ بنابراین، در منطق راهبرد مشارکتی شدن که ظرف تحقق عدالت مشارکتی است، دادگستری و سایر نهادهای رسمی و دولتی، مرجع رسیدگی ابتدایی بصورت عام و مطلق به کلیه جرایم و مسائل حقوقی نمی باشد، بلکه در کنار آنها نهادهای غیر دولتی و مردم نهاد نیز مداخلات نسبتاً قابل ملاحظه ای دارند. مضافاً اینکه در گفتمان راهبرد مشارکتی شدن و عدالت مشارکتی، توجه به بزهکار، بزه دیده و اجتماع به نحو توأمان اهمیت دارد. در این راستا، گفته می شود که حقوق کیفری باید سهامداری این افراد را در رسیدگی به جرایم و خسارات ناشی از آنها به رسمیت شناخته و موجبات جلب نظر آنها را در قلمروهایی چون تعیین مجازات، کیفیت اجرای مجازات و ... فراهم آورد. بنابراین، می توان از هم پوشانی و انطباق منطق راهبرد مشارکتی شدن و آموزه های عدالت ترمیمی سخن به میان آورد. به عبارت دیگر، راهبرد مشارکتی شدن، در سطح وسیعی یادآور همان اندیشه های ترمیمی در دادرسی به جرایم و نهادهایی چون اجرای مجازات است که آشکارا بر محدود سازی مداخله رسمی دستگاه عدالت کیفری در این زمینه ها تأکید دارد. عدالت مشارکتی و ترمیمی

^۱ - دلماس مارتی، مری؛ نظام های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ نخست، تهران: نشر میزان،

ص ۱۲۳

^۲ - فتح الهی، سیامک؛ سیاست جنایی مشارکتی از دیدگاه سازمان ملل متحد، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۴، ۱۳۷۷، ص ۲۸

هرگز به دنبال تعطیلی و کنار نهادن نظام عدالت کیفری کلاسیک نیست، بلکه به عنوان یک تئوری در بستر عدالت کیفری به دنبال بومی، محلی و عرفی سازی مواجهه با جرایم و ترمیم تبعات و حذف بسترهای تکوین آنهاست. پیشرفت و توسعه این راهبرد و عدالت مشارکتی از زمان استفاده از اولین برنامه های میانجیگری میان بزه دیده و بزهکار آغاز شده است که در اواسط دهه ۱۹۷۰ در کانادا و استرالیا رونق گرفته است. این برنامه ها به عنوان جایگزین تعلیق مراقبتی بزهکاران جوان مورد استفاده قرار گرفته و در قالب برنامه های پیش از محاکمه که به بزه دیده و بزهکار و نمایندگان محلات مختلف جامعه اجازه اظهار نظر و پیشنهاد حکم خاصی را به قاضی جهت بررسی آن می دادند، رواج یافت.^۳

در این راستا فرض بر این بود که بزهکار از اینکه در معرض برخورد و ارتباط با بزه دیده و مردم است سود خواهد برد و این امر منجر به کاهش نرخ تکرار جرم وی از یک طرف و افزایش احتمال بازگشت وی به جامعه از طرف دیگر می گردد. بی شک، بزه دیدگان نیز از این رویکرد سود می برند، زیرا با توجه به اظهارات آنها، از این رویه بیش از فرایند رسمی رسیدگی کیفری احساس رضایت می کنند. مضافاً اینکه حضور نمایندگان جامعه مدنی و اهالی نحلات در فرایند دادرسی کیفری و تعیین مجازات می تواند هم موجبات جلب نظر ایشان را فراهم آورد و هم اینکه سبب نهادینه سازی گزاره تشریح مساعی جامعه‌وی در حل معضلات و آسیب های اجتماعی در بافت سیاست جنایی اتخاذی گردد.

کارگزاران و ناظران عدالت مشارکتی عقیده دارند که احساس رضایت بزه دیدگان و عناصر مردم نهاد اجتماع از این رویکرد به خاطر آن است که آنها اصولاً در فرایند سنتی رسیدگی کیفری و تأسیسات زرادخانه عدالت کیفری مشارکت داده نمی شوند. ممکن بود که آنان به عنوان شاهد حضور یابند، اما هرگز در فرایند رسیدگی، تصمیم ساز نبوده و مشارکت فعالی نداشته اند. از طرف دیگر، غالباً سهامدارانی چون بزه دیدگان، مردم، اعضا کمیته های مدنی محلی و ... که در برنامه های میانجیگری جنایی و حل و فصل جامعه‌وی و غیر رسمی مسائل حقوقی و جنایی مشارکت داشته اند، تمایل داشته اند که پایان فرایند را به ترتیبی که می خواسته اند، شکل بخشند. به خاطر همین موضوع، بزهکاران نیز در فرایند رسیدگی دادگاه شرکت نداشته اند. با وجود این، نظام عدالت کیفری، آنها را دور می سازد یا شاید در برخی کشورها به دلیل تمرکز نظام عدالت کیفری بر بزهکار و بزه دیده، اساساً آنها را منفعل می

^۳ - گسن، ریموند؛ بحران سیاست جنایی کشورهای غربی، ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۰،

نمود. در امریکای شمالی، اروپا و ... و سایر کشورهای توسعه یافته، در برهه های زمانی مختلف به وضوح رگه هایی از این رویکرد را رهگیری نمود. گفتمان مشارکتی شدن و تئوریزه شدن عدالت مشارکتی در دهه های پایانی قرن بیست به جنبشی تاثیرگذار در استرالیا، کانادا، انگلستان و سایر کشورها تبدیل شده است. حتی در کشوری همانند آمریکا که نظام کیفری آن فوق العاده متاثر از رویکردهای کیفری سرکوبگر است نیز نفوذ یافته و خطوط فکری سیاست جنایی اتخاذی را تحت تاثیر قرار داده است.^۴

به هر حال، راهبرد مشارکتی شدن در عرصه حقوق کیفری که می توان اجمالاً آنرا « عبور دادن سازوکارهای حقوق کیفری و سیاست جنایی در کلیه ابعاد ماهوی و شکلی از صافی هم افزایی و توزین با مداخله نهادهای مردمی و غیر دولتی » توصیف نمود و سعی دارد از حجم تکالیف دستگاه عدالت کیفری کاسته و مردم را به نحو ملموس تری در سرنوشت وقایع جنایی و حقوقی اجتماع خود سهیم سازد، مبتنی بر یکسری اصول کلیدی است که عبارتند از:

۱) عدالت کیفری مشارکتی و مردم مدار، دعوتی است به مشارکت کامل و اتفاق نظر و اجماع. این امر بدان معناست که بزه دیدگان، بزهکاران و جامعه مدنی اصولاً درگیر موضوعات می شوند، اما با این وجود کسان دیگری که احساس می کنند منافع آنها نیز تحت تاثیر واقعه مجرمانه قرار گرفته اند، نیز می توانند مشارکت نمایند. دعوت به مشارکت با تاکید بر منافع و فواید حاصل از دخالت و درگیری داوطلبانه است. البته بزهکاران ممکن است از آن جهت در این فرایند مشارکت کنند که از نظام سنتی رسیدگی کیفری مصون بمانند.

۲) مشارکتی شدن عدالت کیفری به دنبال این است که در حضور نهادهای مردمی، احساس پاسخگویی کامل و مستقیم در رفتار بزهکاران نقش ببندد. پاسخگویی بطور ساده به این معنی نیست که بزهکاران باید با واقعه ای که منجر به نقض قانون شده است رو به رو شوند، بلکه آنان باید با کسانی که به آنان ضرری وارد کرده اند، نیز رو به رو گردند و ملاحظه نمایند که اقدامات آنها چگونه منجر به ضرر و زیان

^۴ - رستمی، محمد ولی؛ سیاست جنایی مشارکتی، پایان نامه دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۴۲

دیگران شده است. آنان باید در رابطه با رفتار خود توضیح دهند تا بزه دیده و جامعه هم بتوانند آنرا درک کنند. همچنین آنها باید گام هایی را جهت ترمیم زیان های ناشی از جرم بردارند.^۵

۳) راهبرد مشارکتی شدن، در جستجوی آن است که آنچه را نقض شده است بهبود بخشد. پرسش محوری در هر فرایند مشارکتی این است که بزه دیده به چه چیزی نیازمند است تا بهبود یابد و خود را بازیافته، احساس آرامش و امنیت مجدد نماید. در این مسیر جلب نظر آنها و نیز پرسش از نمایندگان جامعه مدنی، مشاوران و مددکاران می تواند راهگشا بوده و سبب طرح تدابیری شوند که به خوبی چرخه دادرسی کیفری و رسیدگی به جرایم ارتكابی را از زوایه بزه دیدگان کاملاً حمایتی جلوه دهند. این مسأله نشان می دهد مشارکتی شدن می تواند بستر مناسبی برای ترمیم جامعه‌ی خسارات ناشی از جرایم و التیام خاطر قربانیان آنها فراهم آورد، زیرا گفتگو با نهادهای مدنی و مردم نهاد در فرایند رسمی عدالت کیفری می تواند به کشف بهترین نظام پاسخ دهی و تعیین کیفری کمک شایانی نماید.

۴) عدالت کیفری مشارکتی در جستجوی بازگرداندن وجدت و هماهنگی به آن چیزی است که در نتیجه ارتكاب جرم گسسته شده است. جرم موجب ایجاد نوعی تقسیم بندی و انشقاق میان مردم و نیز نوعی گسستگی در جامعه محلی است. این انشقاق و جدایی یکی از مهمترین زیان های ناشی از ارتكاب جرم است. فرایند مشارکتی و مردم محور به دنبال بازگرداندن بزه‌کاران و بزه دیدگان و سایر سهامداران پدیده مجرمانه به جامعه است.^۶

۵) راهبرد و عدالت کیفری مشارکتی در جستجوی تقویت جامعه محلی جهت پیشگیری از جرم در آینده است. جرم موجب ایجاد ضرر و زیان است، اما علاوه بر این جرم آشکار کننده شرایط ناعادلانه قبل از وقوع آن نیز هست. این وضعیت می تواند به ایجاد کشمکش و درگیری طولانی میان بزه‌کار و بزه دیده و جامعه محلی منجر شود به گونه ای که در بروز رفتار مجرمانه نیز نمود یافته است. این شرایط ممکن است ناشی از یک وضعیت ساختاری در قالب نابرابری اقتصادی و یا ... باشد. این امر اگرچه برای بزه‌کار عذری جهت توجیه ارتكاب جرم نیست، اما باید برای تقویت جامعه و در نتیجه ایجاد امنیت بیشتر در آن مورد توجه قرار گیرد.^۷

^۵ - غلامی، حسین؛ عدالت ترمیمی، چاپ نخست، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶، ص ۶۹

^۶ - بولک، برنار؛ کیفر شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۶، ص ۱۶۰

^۷ - بکاریا، سزار؛ رساله جرایم و مجازاتها، ترجمه محمد علی اردبیلی، چاپ اول، تهران: میزان، ۱۳۸۰، ص ۲۱